

Role of Islamic–Iranian progress pattern in Strengthening Urban–Rural linkages (Case Study: Shahreza Township)

Majid Johari¹, Seyed Eskandar Seidaei², Seyed Hedayatollah Nouri³, Ahmad Tqghdisi⁴

¹PhD Candidate of Geography and Rural Planning, University of Isfahan, Isfahan, Iran

²Associate Professor of the Geography and Rural Planning Department, University of Isfahan, Isfahan, Iran

³Associate Professor of the Geography and Rural Planning Department, University of Isfahan, Isfahan, Iran

⁴Assistant Professor of the Geography and Rural Planning Department, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Abstract

The Strengthening of rural-urban linkages calls for a proper method and model of development and regional development. Each country pursues to employ appropriate and local patterns of development, that be compatible with its local culture, ideological basics, as well as social, economic, geographical and political conditions. Therefore, in order to create a favorable society and establish an Islamic-Iranian civilization, authorities have proposed Islamic-Iranian progress pattern for planning in Iran. The present study has been conducted in Shahreza Township, with the aim of Strengthening the rural-urban linkages, and based on Islamic-Iranian progress pattern, and with a new view and an approach compatible with the theoretical framework of the Islamic-Iranian progress pattern, is to introduce a local model compatible with geographical, economic, sociocultural, ideological, environmental, and physical conditions of the villages in this township. The present study is applied, in terms of the aim, and descriptive-analytical survey, in terms of nature and method. The population of the study includes all authorities and managers related to the subject in the township, which due to the low population size, all members of the population were counted totally. The instrument and methods of data collection were documentary and librarian, also interviews, and questionnaires. Using SPSS software, all data of the research were analyzed and to answer the research questions and testing the hypotheses, we benefited one sample t-test, paired sample mean-test, and Chi-square test. Findings indicated that the status quo of the rural-urban linkages will change, after realization of the Islamic-Iranian progress pattern and more favorable conditions will appear. It will result in reducing poverty rate, and inequalities available between cities and villages. Therefore, regarding the affectedness of rural-urban linkages from the realization of Islamic-Iranian progress pattern, and improvement of the present condition, it can be said that the realization of Islamic-Iranian progress pattern, may result in the Strengthening of rural-urban linkages in Shahreza.

Key words: inequality, rural-urban linkages, local model, progress, Islamic-Iranian pattern.

فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)

سال هفتم، شماره اول، (پیاپی ۲۴)، بهار ۱۳۹۶

تاریخ وصول: ۹۶/۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۴/۱۹

صص: ۸۰ - ۵۹

نقش الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در تقویت پیوندهای روستایی - شهری (مطالعه موردی: شهرستان شهرضا)

مجید جوهری^۱، سید اسکندر صیدائی^{۲*}، سید هدایت اله نوری^۳، احمد تقدیسی^۴

- ۱- دانشجوی دکترا، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
- ۲- دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
- ۳- دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
- ۴- استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

تقویت پیوندهای روستایی - شهری مستلزم داشتن روش و الگوی مناسبی از توسعه و توسعه منطقه‌ای است. هر کشوری به دنبال الگوی مطلوب و بومی توسعه است که با فرهنگ بومی، مبانی اعتقادی و شرایط اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی و سیاسی خود تطابق داشته باشد؛ از این رو مسئولان کشور برای ایجاد جامعه مطلوب و استقرار تمدنی اسلامی - ایرانی، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را برای برنامه‌ریزی کشور مطرح کردند. پژوهش حاضر با هدف تقویت پیوندهای روستایی - شهری بر مبنای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در شهرستان شهرضا، تدوین شده است و درصدد آن است که با نگاهی نو و رویکردی منطبق بر مبانی نظری الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، الگوی بومی متناسب با شرایط جغرافیایی و مقتضیات اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، اعتقادی، محیطی و کالبدی روستاهای شهرستان را معرفی کند. پژوهش حاضر، با توجه به هدف، از نوع کاربردی و از نظر ماهیت و روش، از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی و پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش شامل مسئولان و مدیران مرتبط با موضوع در سطح شهرستان است که به دلیل حجم کم جامعه، همه جامعه آماری با روش تمام‌شماری انتخاب شدند. ابزار و

روش‌های گردآوری اطلاعات به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای، مصاحبه و پرسش‌نامه است. با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS، داده‌های پژوهش، تجزیه و تحلیل شدند و برای پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و آزمون فرضیات، از آزمون T تک‌نمونه‌ای، آزمون میانگین نمونه زوجی و آزمون خی دو (Chi-Square) استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان دادند که وضعیت موجود پیوندهای روستایی - شهری، با تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، تغییر خواهد کرد و شرایط مطلوب‌تری به دست خواهد آورد و کاهش فقر و نابرابری‌های موجود بین شهر و روستا را موجب می‌شود. بنابراین، با توجه به اثرپذیری پیوندهای شهری - روستایی از تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و بهبود شرایط وضعیت موجود می‌توان گفت که تحقق الگوی اسلامی - ایرانی تقویت پیوندهای روستایی - شهری را در شهرستان شهرضا موجب خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: الگوی اسلامی - ایرانی، الگوی بومی، پیشرفت، پیوندهای روستایی - شهری، نابرابری

مقدمه

پیوندهای روستایی - شهری که در قالب شبکه‌های منطقه‌ای بروز فضایی می‌یابند، از مقوله‌های نوین در مباحث جغرافیای امروز و پژوهش‌های منطقه‌ای است. پیوند روستایی - شهری پدیده‌ای حاصل از تعامل دو سویه^۱ سکونتگاه‌های روستایی و کانون‌های شهری در عرصه منطقه‌ای است که به سبب جریان‌های مختلف - از جمله جریان افراد، کالاها، اطلاعات، فناوری، نوآوری و مانند آن پدید می‌آید. از جنبه نظری، تحقق اینگونه جریان‌ها در بستر دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جاری، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، با تنوع و تقویت اشتغال در محیط‌های روستایی همراه است. از این رو، کارشناسان توسعه بر پیوندهای روستایی - شهری در تنظیم و بیان سیاست‌های توسعه با هدف کاهش فقر و حمایت از نقش مثبت مراکز شهری در توسعه نواحی روستایی پیرامونی تأکید می‌کنند. این پیوندها، برخلاف روابط سنتی شهر و روستا که بیشتر گویای نوعی روابط سلطه بود، به واسطه تعامل دوسویه و مجموعه‌ای از جریان‌های مکمل تبیین می‌شوند (سعیدی، ۱۳۹۰، ۱۷۰-۱۶۹).

در حال حاضر تأثیر شهرها بر توسعه مناطق روستایی و پیرامون آن‌ها مسئله‌ای مستلزم و پذیرفته شده است. این اثرگذاری بیشتر با پیوندهای روستا - شهری محقق می‌شود. از این رو سازمان ملل در سال ۲۰۰۴ موضوع روز جهانی اسکان را چنین نام‌گذاری کرد: "شهرها، موتورهای توسعه روستایی" (UN Habitat, 2004)، زیرا هر منطقه تنها متشکل از سامانه سکونتگاهی پراکنده و بی‌ارتباط نیست، بلکه شبکه‌ای بهم‌پیوسته از روابط اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی است که با روابط بین نقاط روستایی و شبکه شهری شکل می‌گیرد (خوبفکر بر آبادی و قریشی، ۱۳۹۱، ۱۲۰). پیوندهای روستایی - شهری در فضای جغرافیایی با ویژگی‌های خاص جریان دارد. این پیوندها جریان‌های فضایی را با ماهیت جمعیتی و اقتصادی در ناحیه شکل می‌دهند که به صورت دو سویه بین این نواحی در جریان است و در قالب روندهای تأثیرگذار و تأثیرپذیر مطرح هستند. در این راستا کانون‌های روستایی و شهری از یکدیگر

¹ Reciprocal Interactions

متأثر شده‌اند و پیرو این تأثیرپذیری تحولاتی در سکونتگاه‌ها انجام می‌شود که با بازساخت روندهای ناحیه‌ای را همراه است (سلطانی مقدس، ۱۳۸۶، ۲۰۹). سکونتگاه‌های روستایی و شهری بیش از آنکه از ویژگی‌های درونی‌شان تأثیر پذیرند، کم و کیف پیوندهایی که در زمینه‌های مختلف بین آنها وجود دارد به شدت بر آنها تأثیر می‌گذارد و بدون شناخت عمیق این پیوندها امکان سامان‌دهی و توسعه پایدار شهر و روستا میسر نیست (لینچ، ۱۳۸۶، ۱۵).

الگوی پیوندهای روستایی - شهری با تأکید بر کاهش فقر و نابرابری‌های فضایی میان شهر و عرصه‌های پیرامونی آن، توسعه منطقه‌ای را در قالب چارچوب استوار بر پیوندهای متقابل و مکمل میان عرصه‌های شهری و روستایی پیگیری می‌کند و معتقد است که با این روش علاوه بر توسعه منطقه‌ای، اهداف توسعه ملی نیز به‌طور پایدار محقق می‌شوند. با توجه به سامانه‌های متفاوت اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، محیطی، سیاسی و نهادی مناطق مختلف جغرافیایی، پیوندهای روستایی - شهری تأثیرگذاری‌های متفاوتی را بر روندهای ناحیه‌ای نشان می‌دهند. بنابراین، پیوندهای روستایی - شهری نیازمند بررسی‌های جامع برای درک تغییر در ماهیت و شدت این تعاملات با گذشت زمان است (Kaur, 2007, 6). از این رو، پژوهش و تحلیل پیوندهای روستایی - شهری و جریان‌های به‌وجودآورنده آنها، با توجه به ویژگی‌های خاص هر منطقه، ضروری به نظر می‌رسد؛ اما با توجه به بسترهای ویژه محیطی - بوم‌شناختی (اکولوژیک)، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، سیاسی، نهادی و کالبدی هر منطقه، گاهی این پیوندها به‌درستی شکل نگرفته‌اند و بستر ساز توسعه روستایی و تعادل منطقه‌ای نیستند. در دوران حاکمیت دانش توسعه، الگوهای گوناگونی از توسعه معرفی شده‌اند، هر کشوری به دنبال الگوی مطلوب و بومی توسعه است که با فرهنگ بومی و مبانی اعتقادی و شرایط اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی و سیاسی خود تطابق داشته باشد. مسئولان نظام برای ایجاد جامعه مطلوب و برقراری تمدنی اسلامی - ایرانی، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را برای برنامه‌ریزی کشور مطرح کردند.

در این مقاله کوشش شده است پیوندهای روستایی - شهری با نگاهی نو و رویکردی منطبق بر مبانی نظری الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بررسی شود. از آنجا که الگوی توسعه و برنامه‌ریزی روستایی کشور بیشتر بر اساس الگوی کشورهای غربی و غیربومی تدوین شده بود و متناسب با شرایط جغرافیایی و مقتضیات اقتصادی، اعتقادی، فرهنگی - اجتماعی، محیطی و کالبدی روستاهای کشور نبوده و بر اساس نیازهای روستاییان تدوین نشده است، بنابراین ارائه الگویی بومی و اتکاء‌پذیر که بتواند با حقایق، واقعیت‌ها و خواسته‌های روستاییان سازگار باشد و همچنین در نظر گرفتن شرایط و مقتضیات روستاها در برنامه‌های کشور، ضروری است. پژوهش حاضر ضمن بررسی پیوندهای موجود روستایی - شهری شهرستان شهرضا، کوشش می‌کند این پیوندها را در صورت تحقق طرح الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بررسی و تبیین کند تا با مقایسه وضعیت موجود و در صورت تحقق الگو، میزان اثرگذاری الگو در پیوندهای روستایی - شهری مشخص شود. بر این اساس هدف اصلی این مقاله تقویت پیوندهای روستایی - شهری در شهرستان شهرضا بر مبنای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است. بدین منظور، پرسش‌های زیر در راستای پژوهش مطرح می‌شوند:

۱- مؤلفه‌ها و معیارهای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت برای تقویت پیوندهای شهری - روستایی کدام است؟

۲- تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت چه تأثیری می‌تواند بر تقویت پیوندهای روستایی - شهری شهرستان داشته باشد؟

پیرامون پیوندهای روستایی - شهری، پژوهش‌های متعددی داخل و خارج انجام شده‌اند. درباره طرح الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در زمینه توسعه روستایی و شهری، پژوهش‌هایی به صورت کلی انجام شده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- مایک داگلاس (۱۹۹۸) در پژوهشی با عنوان "استراتژی شبکه منطقه‌ای برای پیوندهای دو سویه روستایی - شهری" در اندونزی، موضوع‌های پیشین مرتبط با روابط شهر و روستا را در قالب نگرش قطب رشد، مطرح می‌کند و با نگاهی به نگرش‌های قطب رشد به‌ویژه در مقایسه با رویکرد شبکه منطقه‌ای، در فرایند توسعه منطقه‌ای - روستایی بر تغییر ساختاری و توسعه روستایی با نقش‌ها و عملکردهای شهری، با مجموعه‌ای از جریان‌های روستایی - شهری تأکید دارد. وی در این فرایند ضمن تبیین عملکردها و نقش‌های روستایی و شهری، ۵ نوع جریان مردم، تولید، کالاها، سرمایه و اطلاعات و ایده‌ها را شناسایی می‌کند و اعتقاد دارد که پیوند مکمل و دو سویه روستایی - شهری را باعث می‌شوند؛

۲- اهلرس (۱۳۸۰) به بررسی و تحلیل رابطه شهر و ده و وقف و آثار این دو در توسعه شهرهای اسلامی پرداخته است. وی با دید غربی خود، این رابطه را یک ارتباط استعماری بین شهر و روستا و نیز استفاده از بهره مالکانه و اجاره در چارچوب نظام سرمایه‌داری بهره‌بری از روستا می‌داند، در واقع اهلرس و سایر پژوهشگران غربی (شرق‌شناسان) یک دید غربی (سرمایه‌داری) نسبت به این رابطه و شهرهای اسلامی دارند؛

۳- سعیدی و تقی‌زاده (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای با عنوان "پیوندهای روستایی - توسعه منطقه‌ای (بررسی تطبیقی شهرستان‌های باغملک و اردکان)، به این نتیجه رسیده‌اند، تا زمانی که پیوندهای روستایی - شهری به صورت جزء اصلی نظام فضایی و در ارتباط منظم و سازمان‌یافته با سایر اجزاء این نظام قرار نگیرند، توسعه متعادل منطقه‌ای دربرگیرنده توسعه هم‌زمان شهر و روستا تحقق نخواهد یافت؛ زیرا از یک سو، توسعه نتیجه فرایند درهم‌تنیده پیوندهای گوناگون و از سوی دیگر، توسعه نیافتگی معلول گسست در برقراری پیوندهاست؛

۴- سلطانی مقدس (۱۳۸۶) در رساله دکتری خود با عنوان "نقش پیوندهای کلان شهری در تحول کالبدی - فضایی روستاهای پیرامون، نمونه: روستای حصار در حوزه کلانشهر مشهد"، به این نتیجه رسیده است که گسترش سرمایه، به نوعی پیوند میان کلانشهر مشهد و سکونتگاه‌های روستایی پیرامون را منجر شده است. ضمن برقراری این گونه پیوندهای فضایی، سایر جریان‌ها از جمله جریان اطلاعات، افراد و ... نیز مطرح می‌شوند و سرانجام تحول در ساختار و عملکردهای فضایی سکونتگاه‌های روستایی را موجب می‌شوند؛

۵- شریف‌زاده (۱۳۸۸) پژوهشی درباره پیوندهای روستایی - شهری پژوهشی با عنوان "موانع شکل‌گیری پیوندهای روستایی - شهری در راستای توسعه روستایی بر روی بخش مرکزی شهرستان بروجرد" انجام داده است. نتایج به دست آمده از این پژوهش گویای این است که ساختارها و عملکردهای نظام سکونتگاهی در بخش مرکزی

شهرستان بروجرد به گونه‌ای است که مانع از به وجود آمدن پیوندهای دوسویه و سازنده شده است و این جریان‌ها و پیوندهای به دست آمده از آن‌ها را به نفع کانون شهری منطقه (بروجرد) به صورت یک‌سویه‌ای در آورده است؛

۶- بادی‌وند (۱۳۹۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد به تبیین الگوی اسلامی - ایرانی توسعه در مناطق روستایی ایران پرداخته است و نتایج آن گویای این واقعیت است که الگوی اسلامی - ایرانی توسعه، روستایی بومی بوده و مبتنی بر فرهنگ و اعتقادات اسلامی مردم و مجریان و سازگار با شرایط محیطی و اجتماعی روستاها است، همچنین الگوی غالب و رایج موجود در زمینه برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران با الگوی اسلامی - ایرانی مطابقت ندارد.

از مقایسه پیشینه پژوهش با ویژگی‌های یادشده، نتیجه می‌گیریم که پژوهش‌های انجام‌شده، بیشتر مربوط به روابط متقابل شهر و روستا و پیوندهای روستایی - شهری هستند. همچنین درباره الگوی اسلامی - ایرانی نیز تنها به پژوهش‌های کلی در زمینه مناطق روستایی کشور بسنده شده است. تفاوت پژوهش حاضر با سایر بررسی‌های انجام‌شده در این است که تاکنون درباره نقش الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در پیوندهای روستایی - شهری، هیچ پژوهشی با این مضمون در سطح کشور انجام نشده است و پژوهش حاضر از این نظر، نخستین پژوهش به شمار می‌رود.

مبانی نظری پژوهش

در بررسی روابط متقابل شهر و روستا برای تعادل بخشی به زندگی شهری و روستایی نیاز به شناخت عوامل متعددی است که از جمله آن‌ها زمینه‌های اصولی و مبانی نظری هستند و در کنار روش‌های دیگر پژوهش می‌توانند مؤثر باشند (رضوانی، ۱۳۸۲، ۸۶). برای تبیین رابطه شهر و روستا، باتوجه به تنوع و پیچیدگی آن در مناطق مختلف جغرافیایی، نظریه‌های متفاوتی ارائه شده است که بررسی آن‌ها یکی از اصولی است که پژوهشگران بررسی‌های شهری - روستایی را یاری می‌دهد.

شیوه و دامنه روابط موجود میان شهر و روستا به صورت‌های گوناگون بر شکل‌پذیری، رشد و توسعه سکونتگاه‌های روستایی و همچنین بر روابط درونی و بیرونی آن‌ها اثر می‌گذارد. درباره شیوه این تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری، مفاهیم و نظریه‌های مختلفی مطرح شده‌اند. جدا از برداشت‌های گوناگون نظری، آنچه پیش از هر چیز باید در نظر گرفته شود، ویژگی‌های زمانی و مکانی است؛ یعنی توجه به شکل روابط در مکان‌های مختلف که بنابر مقتضیات زمانی و روندهای تعیین‌کننده نوع و دامنه دگرگونی روابط، تغییر می‌یابد. این ویژگی‌ها در چگونگی تجلی فضایی روابط شهر و روستا نقش بارزی دارند و مایه اصلی پژوهش‌های جغرافیایی این نوع روابط را تشکیل می‌دهند (سعیدی، ۱۳۸۳، ۱۲۳).

جایگاه نظری پیوندهای روستایی - شهری به دهه ۱۹۵۰ باز می‌گردد. در دهه ۱۹۵۰، موضوع، متمرکز بر نقش شهرها بود. به طوری که کانون‌های شهری در کشورهای در حال توسعه نقش‌های مولد یا انگلی درباره منطقه پیرامونی شناخته پیدا می‌کردند. برای مثال، سینگر در ۱۹۶۴، بر تأثیر نقش استثماری (انگلی) این شهرها بر نواحی روستایی تأکید داشت. در این راستا الگوها و نظریه‌هایی برای برنامه‌ریزی از قبیل قطب رشد ارائه شدند که اساس آن‌ها انتقال مازاد از بخش کشاورزی به بخش صنعتی - شهری بود؛ زیرا رشد اقتصادی و پیشرفته شدن، نیازمند انتقال مازاد به کانون‌های شهری است. بنابراین، منابع، نیروی کار و سرمایه نواحی روستایی با عنوان توسعه اقتصادی بلندمدت به

کانون‌های شهری انتقال یافتند (Fei and Ranis, 1964, 23). سیاست کلی این الگوها شامل الگوی لوئیس و الگوهای وابسته، سرعت‌بخشیدن به رشد صنعتی - شهری و گذار به جامعه شهرمدار بود. در بسیاری از کشورهای آسیایی از دهه ۱۹۷۰، سطوح شهرنشینی و فقر شهری افزایش یافت که پیامد آن مهاجرت روستایی - شهری به دلیل نارسایی‌های سطوح خدمات در نواحی روستایی بود؛ زیرا پس از دهه ۱۹۵۰، دیدگاه‌های ناحیه‌ای نوینی شکل گرفتند که روند برنامه‌ریزی را متحول کرد. الگوهای قطب رشد فضایی و مرکز - پیرامون از نظریه‌های جدیدی بودند که متضاد با رویکردهای اقتصادی دهه ۵۰ مطرح شدند. نتایج عملی به دست آمده از رشد اقتصادی در یک یا چند ناحیه شهری مرکزی در کشورهای در حال توسعه، توسعه این نظریه‌ها را باعث شدند.

محور اصلی این الگوها فواید رشد اقتصادی در شهرها به ضرر کانون‌های روستایی پیرامونی بود. شهرها شکل‌گیری جریان‌های سرمایه، فرار مغزها و انتقال سایر منابع از نواحی روستایی به شهرها را باعث شدند. منابعی که در نواحی روستایی، پایه و بستر فرایند توسعه بودند. شهرها، معضلات فقر روستایی و مهاجرت‌های روستایی - شهری را به نواحی روستایی آوردند. این مشکلات از پیوندهای روستایی - شهری ناشی بود؛ به طوری که همبستگی نواحی روستایی و شهری، اثرگذاری و اثرپذیری این نواحی را از یکدیگر باعث شده بود؛ به طوری که روستاها به نواحی دارای کشت ویژه یا منابع طبیعی تحول پیدا کردند. این تحولات همگی به نفع شهر بودند. همانند روندی که در نظریه وابستگی بیان شده بود. نتیجه‌گیری این نظریه این بود که دولت‌های کانونی شمال عقب‌ماندگی کشورهای جنوب را باعث می‌شوند. پیوندهای روستایی - شهری، این گونه قسمتی از زنجیره جهانی قدرت و کنترل قرار می‌گیرند که در عقب‌ماندگی و فقر نواحی روستایی نقش دارند. با وجودی که بعضی شهرها محل انباشت هستند که می‌توانند در توسعه نواحی روستایی نقش مؤثری داشته باشند، برخی پژوهشگران هنوز بر نقش انگلی شهرها تأکید دارند (Armstrong and McGee, 1985, 52). البته بیشتر پژوهشگران به آثار واپس‌گرایانه شهرگرایی نواحی روستایی اعتقاد دارند؛ ولی به نظر می‌رسد این اقدامات، کوتاه‌مدت باشند و تنها در مراحل ابتدایی توسعه به وقوع پیوندند (Bah and Others, 2003, 36)؛ به طوری که روند توسعه در سامانه‌های فضایی در مقابل آن، فراتر از قلمرو مکانی حرکت کنند و از فرایندهای قطبی‌جولوگیری کنند که تأثیرات روندهای بیرونی مانند شهرگرایی تداوم فرایند قطبی‌شدن شهرها را سبب شد و این شهرگرایی تحمیلی در ناحیه پیرامونی از آثار الگوی قطب رشد با رویکرد ایجاد مراکز رشد و توسعه‌های ناحیه‌ای بود (Friedmann, 1966, 76). استدلال علمی، راهبردی است که نشان می‌دهد، تنها رشد شهرهای محلی - ناحیه‌ای در منطقه روستایی می‌تواند با رشد مراکز شهری هسته‌ای مقابله کند. بنابراین، پس از آن در رویکردهای توسعه ناحیه‌ای بر نقش شهرهای محلی در فرایند توسعه تأکید شد؛ به طوری که در دهه ۱۹۷۰، رویکرد نقش اساسی شهرها در توسعه روستایی گسترش یافت (Lipton, 1982, 16). سمت‌گیری برنامه‌ریزی برای ارتقاء و تقویت کارکردهای این شهرها بدون نتایج عملی انجام شد که در مدتی جدایی برنامه‌ریزی‌های روستایی و شهری را موجب شد؛ به طوری که برنامه‌ریزان در راهبردهای خود بر توسعه شهری تأکید داشتند و کمتر به توان‌های بالقوه توسعه کشاورزی و روستایی توجه داشتند و بیشتر بر نقش استثماری شهرها در جذب سود و ارزش افزوده کانون‌های روستایی تأکید داشته‌اند. باتوجه به تناقض‌های نظریه‌های پیشین و رویکرد

یک‌جانبه آن‌ها، الگوی پیوندهای روستایی - شهری پیشنهاد شد که در چارچوبی عینی - ادراکی، جریان‌های متقابل فضایی بین روستا و شهر را بررسی کرده است.

در سال ۱۹۸۱، جان فریدمن و مایک داگلاس رویکرد آگروپلیتن را ارائه کردند. در این رویکرد، توسعه روستایی و شهری با هم در نظر گرفته می‌شوند؛ به طوری که در منطقه، کانون‌های روستایی و شهری در ارتباط با یکدیگر قرار گرفته و کارکردهای آن‌ها با یکدیگر مرتبط هستند. پس از بررسی‌های فراوان، نظریه بالا تکمیل و اصلاح شد و در سال ۱۹۸۸ توسط مایک داگلاس با عنوان "پیوندهای روستایی - شهری" ارائه شد (Douglass, 1998, 1-3). پیوندهای روستایی - شهری، جریان‌های فضایی بین سکونتگاه‌ها را شکل می‌دهد. این جریان‌ها متأثر از ساختارها و کارکردهای سکونتگاه‌های روستایی هستند. در این راستا داگلاس درباره جایگاه جریان‌های روستایی - شهری معتقد است که "تحولات ساختاری و توسعه روستایی به کارکردهای شهری وابسته است و نقش پیوندها، هدایت جریان‌ها بین نواحی شهری و روستایی است" (Douglass, 1998, 14). پیوندهای روستایی - شهری مؤید این واقعیت است که توسعه شهری و روستایی به صورت متقابل و یکپارچه همبسته و به یکدیگر وابسته هستند. البته این تصور، نادرست است که این پیوندها در همه شرایط الزاماً با منافع متقابل برای شهرها و روستاها همراه خواهند بود؛ زیرا در شرایط متفاوت، ممکن است به نابرابری فضایی و آسیب‌پذیری بیشتر گروه‌های کم‌بهره‌مند (روستایی) منجر شوند. از سوی دیگر، باید توجه داشت که الگو و دامنه پیوندهای روستایی - شهری به شدت متأثر از تحولات کلان، از جمله روند جهانی شدن، تعدیل ساختاری و اصلاحات اقتصادی است که بر هر دو جوامع شهری و روستایی اثرگذار است (سعیدی، ۱۳۹۰، ۱۷۱). پیرو این نظریه، مایک داگلاس طرح‌های فراوانی را در اندونزی، تایلند و ویتنام درباره پیوندهای روستایی - شهری با نظارت سازمان ملل انجام داد و این نظریه را به صورت عملی گسترش داد. او در این طرح‌ها پیوندهای بومی را بررسی کرد و آن را راهبرد برنامه‌ریزی پیشنهاد کرد (سلطانی مقدس، ۱۳۸۶، ۸۰). بدیهی است که مسائل مرتبط با روابط شهر و روستا و دامنه پیوندهای روستایی - شهری از یک کشور یا منطقه به کشور یا منطقه دیگر، با تنوع بسترهای اجتماعی - اقتصادی به شکلی متفاوت نمایان می‌شوند؛ اما ویژگی عمومی و مشترک آن‌ها این است که در راه توسعه، گذر از تأکید بر روابط سلطه‌جو به سوی پیوندهای مکمل و سازنده، حرکتی الزامی به شمار می‌رود. وینهویزن (۲۰۰۲) ضمن توصیه توجه و ارزیابی آثار پیوندهای روستایی - شهری، عنایت ویژه برنامه‌ریزان را در چارچوب سیاست‌ها به دو نکته اساسی جلب می‌کند:

الف) توجه به واقعیت‌های نوظهور جهانی - محلی مرتبط با یکپارچگی و هماهنگی عرصه‌های روستایی - شهری؛
ب) توجه به تعدیل فقر، بهبود سطح درآمدی، رفاه و توسعه پایدار مناطق.

بر این مبنا نوشتار حاضر، با درآمیختن پیوندهای روستایی - شهری و مبانی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به دنبال یافتن پیوند بومی و راه حل مناسب برای تقویت پیوندهای روستایی - شهری است.

تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از ابعاد گوناگون، یک اتفاق نیک، مهم و بی‌سابقه در مسئله برنامه‌ریزی توسعه در کشور به شمار می‌رود. این نقطه عطف تاریخی در ایران اسلامی، البته پدیده‌ای نوپاست که تاکنون به آن پرداخته نشده بود و از این رو، تبیین ابعاد مختلف آن برای ایجاد درکی مشترک، هماهنگ، روشن و شفاف از

موضوع، ضروری است. این کار دست کم به ترویج ادبیات مربوط به این موضوع‌ها در فضای فکری و فرهنگی کشور می‌انجامد و مسیر اندیشه‌ورزی، تفکر سیاسی و اجتماعی برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی را به این سو، رهنمون می‌کند (قاضی‌زاده، ۱۳۸۹، ۳۲). جمهوری اسلامی ایران به دنبال ایجاد جامعه مطلوب و برقراری تمدنی اسلامی - ایرانی است. بی‌تردید الزامات چنین آرمانی، تبیین الگوی مربوط به خود یعنی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است. این موضوع به دلیل برخورداری از مؤلفه‌های کلان بنیادی (یعنی جامعه آرمانی) و هدف راهبردی و کلان، ازجمله شئون مرتبط با رهبری نظام است که به دنبال آن، تعیین اهداف مشخص کمی، اهداف میانی و هدف‌های جزئی ازجمله وظایف سطوح سامانه سیاست‌گذاری (قانون‌گذاری) برنامه‌ریزی انجام می‌شود. الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت جمهوری اسلامی ایران طبق تبیین و تأکید رهبر معظم انقلاب در راستای تحقق پیشرفتی پایدار در عرصه کلان ملی است که الگوی آن مبتنی است بر کلیدی‌ترین و مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده آن، که براساس معرفت‌شناسی و به‌ویژه انسان‌شناختی انسان است. این خود با اعمال تفکر و ابتکار ایرانی و باتوجه به مقتضیات بومی و توانمندی‌های ملی شکل می‌گیرد. این الگو می‌تواند راهنمای پیشرفت و توسعه کشور باشد (خوش‌چهره و حبیبی، ۱۳۹۱، ۲۲۰). یکی از مهم‌ترین وجوه گفتمان پیشرفت ملی، تأکید بر درون‌زایی، بومی و سازگار بودن الگوی پیشنهادی با حقایق، خواسته‌ها و آرمان‌های ملی منعکس شده و برخاسته از متن راهبردی قانون اساسی خود است؛ زیرا هر کشوری واقعیاتی و هر ملتی خواسته‌هایی دارد که می‌توانند از واقعیات کنونی و آرمان‌های آینده ملت‌ها و کشورهای دیگر متمایز باشند و همین اصل تردیدناپذیر ایجاب خواهد کرد که هر کشور و ملتی به دنبال الگوی ویژه و رویکرد سازگار و متناسب با گزینه مناسب خویش باشد و با بهره‌گیری از تجارب دیگر دولت‌ها و ملت‌های کنونی و گذشته، به طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و راه‌نگاری پیشرفت و دادگری برای آینده خویش بر پایه واقعیات انحصاری خود و در راستای آرمان‌های ویژه خود پردازد.

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در مرتبت سندی راهبردی، بر بخش‌های گوناگون سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های ملی کشور تا سطوح گوناگون اسناد کوتاه‌مدت و میان‌مدت، تأثیرگذار خواهد بود (کیوان‌حسینی و جمعه‌زاده، ۱۳۹۰، ۱).

رهبر انقلاب اسلامی هفت مسئله را درباره مبانی و محتوای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بیان کردند:

- ۱- مسئله مبدأ؛ ۲- مسئله معاد؛ ۳- مسئله تفکیک نکردن دنیا و آخرت؛ ۴- مسئله انسان و نگاه اسلام به انسان؛
- ۵- مسئله حکومت؛ ۶- مسئله عدالت، ۷- نگاه غیرمادی به اقتصاد. درحقیقت، نکات بیان‌شده رهبری درباره محتوای اسلامی الگو نشان می‌دهند که الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و کل پیشرفت مد نظر رهبری از جنبه ماهیت، با آنچه کشورهای غربی، پیشرفته می‌دانند و نزد مدرنیست‌های غربی و مقلدان سکولاریست‌ها یا لیبرالیست و گروه تکنوکرات‌ها ترقی و توسعه دانسته می‌شود، تفاوت زیادی دارد. الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت مد نظر رهبری منظومه‌ای فراگیر است که به‌طور کامل ریشه در هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی دارد و رکن اول آن توجه به مبدأ و رکن دوم آن توجه به معاد است. همچنین نکته‌ای که مقام معظم رهبری با عنوان محور بودن انسان در این الگو عنوان کرده‌اند با تأکید صریحشان، با تعریف غربی انسان در مدرنیسم به‌کلی تفاوت

است. رهبر انقلاب به عدالت را معیار حق و باطل حکومت‌ها می‌داند؛ یعنی در اسلام اگر شاخص عدالت وجود نداشت، درباره حقیقت و مشروعیت تردید وجود خواهد داشت. ایشان به یک نکته مهم درباره الگوی اسلامی - ایرانی اشاره کردند که از دیدگاهی دیگر، تاییدکننده ماهیت کاملاً متفاوت این الگو با مفهوم ترقی مدرنیستی است و آن تأکید بر نگاه غیرمادی به اقتصاد است که به این ماهوی و الگوی پیشرفت برخاسته از میراث اسلامی، مفهوم مدرنیستی ترقی و توسعه را از جنبه‌ای دیگر نشان می‌دهد (جوانپور و عباسی، ۱۳۹۰، ۸۸-۸۷). همچنین رهبر معظم انقلاب درباره الگو به چهار عرصه فکر، علم، زندگی و معنویت بسیار تأکید داشته‌اند (صفرلکی، ۱۳۹۰، ۳۷). الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، چارچوب و جهت‌گیری‌های کشور برای دستیابی به پیشرفت را تعیین می‌کند. تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در زمینه توسعه روستایی نیز با این موضوع، ارتباط دارد که پس از تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت کشور، تهیه و تدوین آن در راستای سند چشم‌انداز توسعه کشور و سند چشم‌انداز توسعه روستایی ضروری است (رضوانی، ۱۳۹۰، ۲۶۷-۲۶۵).

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و برنامه‌ریزی روستایی

شواهد و تجربیات نشان می‌دهند که به حق و وظیفه توسعه جوامع و فضاهای روستایی، به تناسب سهم، جایگاه و کارکرد آن در اقتصاد ملی، کم‌توجهی شده است و مناطق روستایی در شرایطی کاملاً نابرابر از جنبه دسترسی به فرصت‌ها و منافع به دست آمده از رشد و توسعه قرار گرفته‌اند (رضوانی، ۱۳۹۰، ۱). دلیل این نابرابری‌ها و به فراموشی سپردن روستاها به برنامه‌های عمرانی کشور برمی‌گردد؛ زیرا تشکیل سازمان برنامه و بودجه کشور از آغاز با حضور و ارشادهای آمریکا آغاز شد و از سال ۱۳۲۷ برنامه اول عمرانی را در کشور آغاز کردند و زمینه‌های لازم برای طراحی و اجرای برنامه‌های بعدی را پایه‌گذاری کردند. بنابراین، الگوی توسعه کشور براساس الگوی نوسازی آغاز شد و کم‌وبیش نیز ادامه دارد. در مجموع راه‌هایی را رفتند که خواسته‌های کشورهای غربی را برآورده می‌کرد. در برنامه‌های قبلی متأسفانه هیچ‌گاه به ابعاد مختلف و پیش‌نیازهای پیشرفت، توجه ویژه نشده است و حتی برعکس، خواسته یا ناخواسته به کارهایی پرداخته شده که موجب تغییر سبک زندگی و به عبارت دیگر مشمول هجوم فرهنگی به کشور شده است.

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از مهم‌ترین اسناد بالادستی و درازمدت کشور است که پس از تدوین و نهایی شدن بر بسیاری از تصمیم‌های کلان کشور حاکم خواهد بود. از آنجاکه الگوی جدید پیشرفت بر درون‌زایی، بومی بودن و سازگاری آن با حقایق، واقعیت‌ها، خواسته‌ها و آرمان‌های ملی تأکید دارد و همچنین منطبق با شرایط جغرافیایی، اقلیمی، اقتصادی، فرهنگی، اعتقادی، سیاسی، امنیتی، امکانات و توانایی‌های کشور است، باید شرایط و مقتضیات روستاهای کشور و نیازهای روستاییان به صورت زیرمجموعه‌ای از مجموعه ملی در نظر گرفته شود تا با برقراری عدالت و توزیع عادلانه منابع، ایجاد شغل و درآمد، کاهش فقر و کاهش نابرابری‌های موجود بین روستا و شهر را موجب شود و چهره فقر و محرومیتی که روستاها از الگوی توسعه غربی به ارث برده‌اند را از خود دور کند و جایگاه اصلی خود را بازیابند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش پیش‌رو با توجه به هدف، از نوع کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی و پیمایشی است. مراحل پژوهش بر پایه گردآوری داده‌ها و اطلاعات، طبقه‌بندی و سازمان‌دهی داده‌ها، تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری است. روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها به دو صورت پژوهش‌های کتابخانه‌ای و میدانی است. در روش کتابخانه‌ای از اسناد، مدارک، آمار و ارقام سرشماری‌ها و سالنامه‌های آماری استفاده شده است و در روش میدانی، اطلاعات لازم با تکمیل پرسش‌نامه کارشناسان، مصاحبه و همچنین مراجعه مستقیم به اداره‌های مرتبط استان اصفهان و شهرستان شهرضا اطلاعات جامعی درباره موضوع پژوهش تهیه شده است. جامعه آماری پژوهش شامل مسئولان و مدیران مرتبط با موضوع در سطح شهرستان است (جدول ۱) که به دلیل حجم کم جامعه، همه جامعه آماری (۳۶ کارشناس) با روش تمام‌شماری انتخاب شدند.

در پژوهش حاضر پیوندهای روستایی - شهری در چهار شاخص اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، محیطی و کالبدی و در ۷۱ گویه در قبل از الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت (وضعیت موجود) و در صورت تحقق الگو بررسی شده‌اند (جدول ۲). ابعاد اقتصادی، اجتماعی، محیطی و کالبدی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در این پژوهش، متغیرهای مستقل پژوهش هستند و متغیرهای وابسته شامل پیوندهای روستایی - شهری در چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، محیطی و کالبدی هستند. آثار الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در پیوندهای روستایی - شهری در قالب الگوی مفهومی پژوهش در شکل (۱) نمایش داده شده‌اند.

جدول - ۱: کارشناسان مرتبط در جامعه آماری پژوهش

تعداد	تخصص	نهادهای، سازمان‌ها و دانشگاه‌ها	
۴	جغرافیا (برنامه‌ریزی روستایی و شهری)، علوم سیاسی، علوم اجتماعی	کارشناسان دفتر تقسیمات کشوری	استانداری اصفهان
۳	جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، علوم سیاسی، توسعه روستایی،	کارشناسان اداره کل امور روستایی	
۴	اقتصاد توسعه، جغرافیا، جامعه‌شناسی، آمایش سرزمین	کارشناسان معاونت توسعه و برنامه‌ریزی	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصفهان
۳	توسعه روستایی، جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، کشاورزی	کارشناسان بخش ترویج و توسعه روستایی	سازمان جهاد کشاورزی استان اصفهان
۳	توسعه روستایی، جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، کشاورزی	کارشناسان بخش ترویج و توسعه روستایی	اداره جهاد کشاورزی شهرستان شهرضا
۴	جغرافیا، معماری، عمران	کارشناسان معاونت عمران روستایی	بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان اصفهان و شهرستان
۴	اقتصاد، جغرافیا، علوم سیاسی، مدیریت و علوم اجتماعی	کارشناسان توسعه و برنامه‌ریزی شهرستان	فرمانداری شهرستان شهرضا
۳	جغرافیا، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی	کارشناسان امور دهیاری‌ها	بخشداری شهرضا
۴	جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، برنامه‌ریزی شهری و جغرافیای سیاسی	دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی	دانشگاه اصفهان
۲	اقتصاد	دانشکده علوم اقتصادی	

۲	علوم سیاسی	دانشکده علوم انسانی	دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا
---	------------	---------------------	--------------------------------

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵

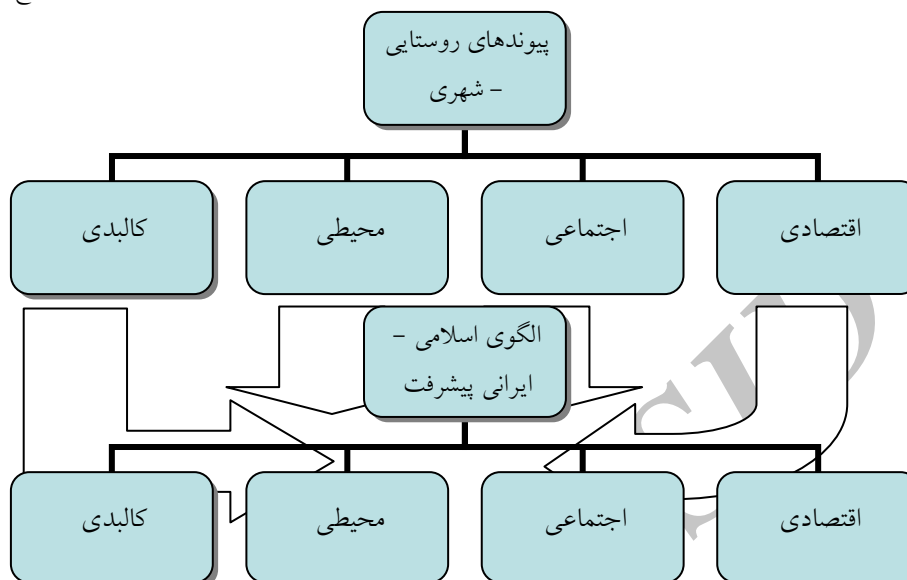
روایی صوری و محتوایی پرسش نامه با کسب نظر چند تن از اساتید دانشگاه، گروهی از صاحب نظران و کارشناسان مرتبط با موضوع به تأیید نهایی رسیده است. برای برآورد پایایی ابزار پژوهش از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است که مقدار آلفای محاسبه شده برای گویه‌های بعد اقتصادی، ۰/۹۳۹؛ بعد اجتماعی و فرهنگی، ۰/۹۶۵؛ بعد محیطی، (۰/۸۴۴)؛ بعد کالبدی، (۰/۸۱۲) و برای کل گویه‌های پرسش نامه (۰/۹۷۶) به دست آمد که نشان دهنده معتبر بودن توصیف و روابط بین گویه‌ها از نظر علمی است. با بهره‌گیری از نرم افزار SPSS، داده‌های پژوهش تجزیه و تحلیل شدند و برای پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و آزمون فرضیات از آزمون T تک‌نمونه‌ای، آزمون میانگین نمونه زوجی و آزمون خی دو (Chi-Square) استفاده شده است.

جدول-۲: شاخص‌های بررسی شده در وضعیت موجود پیوندهای روستایی - شهری و در صورت تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

بعد	گویه
اقتصادی	ایجاد فرصت‌های شغلی و تنوع شغلی در روستا، درآمدزایی در سطح روستا، سرمایه‌گذاری بخش دولتی در سطح روستا، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در سطح روستا، مازاد تولید در روستا، بهره‌وری و سود در سطح روستا، کاهش شکاف اقتصادی و طبقاتی بین شهر و روستا، کاهش میزان بیکاری در سطح روستا، توزیع عادلانه منابع و ثروت بین شهر و روستا، رفع فقر و محرومیت در سطح روستا، الگوی مصرف میان ساکنان روستا، رعایت توازن و تعادل میان ساکنان روستا، صرفه‌جویی در زندگی، دسترسی به بازارهای مناسب برای فروش محصولات کشاورزی، کاهش مهاجرت به شهرها میان ساکنان روستایی، توانمند کردن ساکنان روستا، نقش روستا در منافع ملی کشور، برخورداری روستاییان از رفاه و کیفیت زندگی، توجه به اقتصاد اسلامی، توجه به کیفیت زندگی در سطح روستا، توجه خانوارهای روستایی به قناعت در زندگی، برابری و نبود تبعیض در سطح روستا
اجتماعی-فرهنگی	کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی در روستا، شیوه زندگی، تبعیت ساکنان از الگوی اسلامی، تبعیت ساکنان از سبک زندگی و الگوی غربی، رعایت نظم و انضباط بین ساکنان روستایی، رعایت حقوق دیگران بین روستاییان، تشویق جوانان به تفریح و ورزش‌های سالم، استفاده از دانش بومی، میزان احساس آزادی بین ساکنان روستا، افزایش انگیزه پیشرفت بین ساکنان روستا، ارتقاء امنیت و سلامت در روستا، وجود مدیریت کارآمد در روستا، افزایش آگاهی روستاییان، پایبندی به ارزش‌ها، باورها و اعتقادات روستایی، کرامت انسانی و توجه به ارزش‌های دینی و انسانی، توجه به ارزش‌های انقلاب و دفاع مقدس، شرکت در مراسم و آداب و رسوم مذهبی، پایبندی به اخلاق، نگاه غیرمادی به انسان، توجه به هویت ایرانی و داشتن عرق ملی، توجه به هویت دینی و حفظ میراث فرهنگی، توجه به فرهنگ بومی و احیای سنت‌های محلی، توجه به فکر و اندیشه در سطح روستا، توجه به علم و دانش محوری در سطح روستا، توجه به معنویت میان ساکنان روستا، احترام به قانون بین ساکنان روستا، راست‌گویی و امانت‌داری بین ساکنان روستا، وجود نیکی و احسان بین ساکنان روستا، وجود عدل و انصاف میان روستاییان، احساس تعلق به روستا، احترام به بزرگان و ریش‌سفیدان روستا، افزایش روحیه کمک به هم‌نوع و دستگیری از دیگران، افزایش وحدت، همبستگی و اتحاد بین ساکنان روستا، تعاون و همکاری بین ساکنان روستا، مشورت در تصمیم‌گیری‌ها و انجام کارهای مربوط به روستا، وجود نزاع و کشمکش میان ساکنان روستا، تعامل سازنده روستاییان با ساکنان شهری، اعتماد روستاییان به مسئولان نهادها و سازمان‌ها، اعتماد روستاییان به ساکنان شهری
محیط	استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های محیطی و انسانی، بهره‌برداری بهینه از منابع روستا، تمیز و پاکیزه نگه‌داشتن محل زندگی

برخورداری از امکانات و تسهیلات عمومی مانند آب، برق، گاز لوله‌کشی، برخورداری از خدمات بهداشت و درمان، برخورداری از خدمات آموزشی و فرهنگی، برخورداری از حمل‌ونقل و ارتباطات و راه‌های مناسب، نوع خدمت‌رسانی به روستاها، وجود مدیریت کارآمد در روستا، بافت و الگوی معماری مسکن، وجود مشارکت محلی بین ساکنان روستا در طرح‌های آبادانی روستا	کالبدی
---	--------

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵

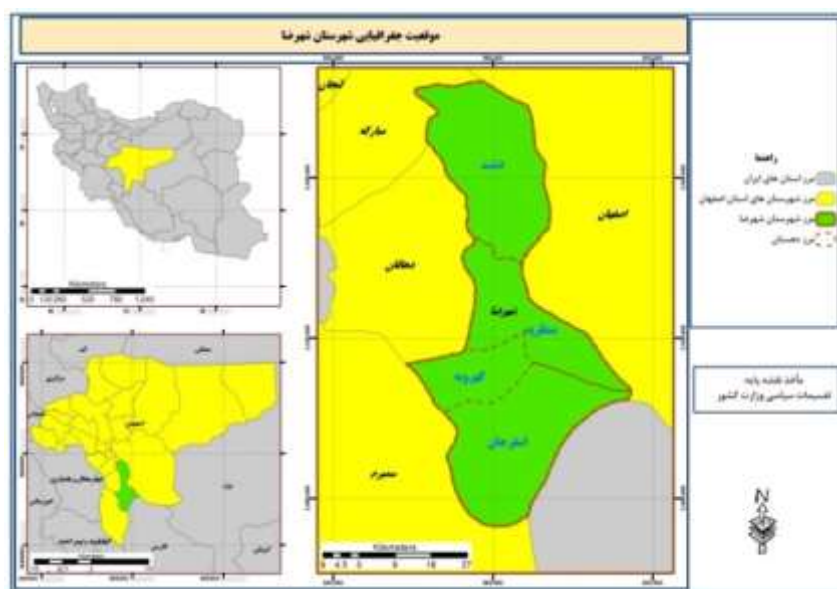


شکل - ۱: الگوی مفهومی آثار الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در پیوندهای روستایی - شهری

قلمروی جغرافیایی پژوهش

شهرستان شهرضا یکی از شهرستان‌های استان اصفهان است که با وسعتی معادل ۲۷۹۶ کیلومتر مربع در جنوب استان واقع شده است و حدود ۲/۶۱ درصد مساحت استان را در بر گرفته است. از نظر مختصات جغرافیایی در عرض شمالی ۲۴' ۳۱° تا ۲۴' ۳۲° و در طول شرقی ۳۷' ۵۱° تا ۱۲' ۵۲° قرار گرفته است. این شهرستان از سمت شمال و شرق به شهرستان اصفهان، از جنوب به شهرستان آباء، از جنوب غرب به شهرستان سمیرم، از غرب به شهرستان‌های دهاقان و مبارکه محدود می‌شود (استانداری اصفهان، ۱۳۹۲، ۵-۱). شهرستان شهرضا به مرکزیت شهرضا، طبق آخرین تقسیمات سیاسی؛ یک بخش، ۴ دهستان، ۲ شهر و ۹۱ پهنه روستایی دارد که ۶۰ آبادی آن دارای سکنه و ۳۱ آبادی خالی از سکنه است (شکل ۲). جمعیت شهرستان براساس نتایج سرشماری در سال ۱۳۹۰ حدود ۱۴۹۵۵۵ نفر بوده است. این جمعیت حدود ۳/۰۷ درصد از کل جمعیت استان را شامل می‌شود. سهم جمعیت شهری از این رقم، ۸۶/۹۴ و سهم جمعیت روستایی ۱۳/۰۳ درصد است. در سال ۱۳۹۰ سهم شهرستان از جمعیت شهری استان ۳/۱ درصد و سهم جمعیت روستایی شهرستان از جمعیت روستایی استان ۲/۷۴ درصد بود (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۲، ۶۱-۵۷). مروری بر روند گذشته این آمار گویای آن است که در ۲۵ سال (۱۳۶۵-۱۳۹۰)

جمعیت استان در حال افزایش بوده است و جمعیت شهری به شدت افزایش یافته است؛ در حالی که سهم جمعیت روستایی کاهش چشمگیری یافته است.



شکل - ۲: نقشه موقعیت جغرافیایی شهرستان شهرضا در کشور و استان اصفهان

یافته‌های پژوهش

در این بخش با بهره‌گیری از روش‌های آماری، پیوندهای روستایی - شهری طبق گویه‌های جمع‌آوری و براساس متغیرهای پژوهش در چهار شاخص اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، محیطی و کالبدی و همچنین شاخص ترکیبی تجزیه و تحلیل شدند. هرکدام از شاخص‌ها در وضعیت موجود (قبل از طرح الگوی اسلامی - ایرانی) و در صورت تحقق الگوی اسلامی - ایرانی بررسی شدند و با مقایسه این دو وضعیت، میزان اثرگذاری طرح الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در شاخص‌های پیوندهای روستایی - شهری ارزیابی شدند.

بررسی وضعیت موجود پیوندهای روستایی - شهری

برای بررسی وضعیت موجود ابعاد پیوندهای روستایی - شهری از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شده است. با این آزمون، فرضیه به صورت زیر بررسی می‌شود:

H_0 : میانگین شاخص‌های مدنظر برابر ۳ است؛

H_1 : میانگین شاخص‌های مدنظر برابر ۳ نیست.

همان‌گونه که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، میانگین وضعیت موجود در بعدهای اجتماعی - فرهنگی، محیطی، کالبدی و شاخص‌های ترکیبی بیشتر از مقدار آزمون است و p مقدار، کمتر از ۰/۰۵ است و از آنجاکه حد بالا و پایین فاصله اطمینان، مثبت است، فرض صفر مبنی بر برابری میانگین با عدد ۳ رد می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که

وضعیت موجود پیوندهای روستایی-شهری در ابعاد اجتماعی - فرهنگی، محیطی، کالبدی و شاخص ترکیبی بیش از حد متوسط است.

باتوجه به اینکه میانگین وضعیت موجود اقتصادی برابر $2/9299$ و p -مقدار، بیشتر از $0/05$ است و حد پایین فاصله اطمینان آن منفی است. بنابراین، استنباط می‌شود که میانگین جامعه در این شاخص با مقدار آزمون برابر است و فرض صفر مبنی بر برابری میانگین با عدد ۳ پذیرفته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت، وضعیت موجود اقتصادی در حد متوسط است.

جدول-۳: نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای در وضعیت موجود پیوندهای روستایی - شهری

مقدار آزمون = ۳								وضعیت موجود
فاصله اطمینان ۹۵ درصد اختلاف		میانگین اختلاف	P -مقدار دوطرفه	درجه آزادی	آماره t	انحراف استاندارد	میانگین	
حد بالا	حد پایین							
۰/۰۳۷۸	-۰/۱۷۸۰	-۰/۰۷۰۱۱	۰/۱۹۶	۳۵	-۱/۳۱۸	۰/۳۱۹۰۳	۲/۹۲۹۹	اقتصادی
۱/۰۷۱۴	۰/۸۵۱۷	۰/۹۶۱۵۴	۰/۰۰۰	۳۵	۱۷/۷۷۰	۰/۳۲۴۶۵	۳/۹۶۱۵	اجتماعی - فرهنگی
۰/۴۶۴۸	۰/۰۵۳۷	۰/۲۵۹۲۶	۰/۰۱۵	۳۵	۲/۵۶۱	۰/۶۰۷۴۲	۳/۲۵۹۳	محیطی
۰/۸۳۵۲	۰/۵۰۷۸	۰/۶۲۱۵۳	۰/۰۰۰	۳۵	۱۱/۰۹۷	۰/۳۳۶۰۶	۳/۶۲۱۵	کالبدی
۰/۶۷۰۶	۰/۵۰۶۲	۰/۵۸۸۴۲	۰/۰۰۰	۳۵	۱۴/۵۲۸	۰/۲۴۳۰۲	۳/۵۸۸۴	شاخص ترکیبی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

بررسی وضعیت پیوندهای روستایی - شهری در صورت تحقق الگوی اسلامی - ایرانی

همان‌گونه که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، میانگین وضعیت همه ابعاد پیوندهای روستایی - شهری در صورت تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، بیشتر از مقدار آزمون است و p -مقدار کمتر از $0/05$ است و از آنجاکه حد بالا و پایین فاصله اطمینان، مثبت است، فرض صفر مبنی بر برابری میانگین با عدد ۳ رد می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت پیوندهای روستایی - شهری در صورت تحقق الگو در حد بیش از متوسط خواهد بود.

جدول-۴: نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای وضعیت پیوندهای روستایی - شهری در صورت تحقق الگو

مقدار آزمون = ۳								وضعیت در صورت تحقق الگو
فاصله اطمینان ۹۵ درصد اختلاف		میانگین اختلاف	P -مقدار دو طرفه	درجه آزادی	آماره t	انحراف استاندارد	میانگین	
حد بالا	حد پایین							
۰/۸۷۳۵	۰/۴۴۲۱	۰/۶۵۷۸۳	۰/۰۰۰	۳۵	۶/۱۹۱	۰/۶۳۷۵۲	۳/۶۵۷۸	اقتصادی
۱/۲۳۶۷	۰/۹۰۲۸	۱/۰۶۹۷۳	۰/۰۰۰	۳۵	۱۳/۰۰۷	۰/۴۹۳۴۶	۴/۰۶۹۷	اجتماعی-فرهنگی
۱/۱۸۹۲	۰/۸۳۴۶	۱/۰۱۱۹۰	۰/۰۰۰	۳۵	۱۱/۵۸۹	۰/۵۲۳۹۲	۴/۰۱۱۹	محیطی

کالبدی	۳/۸۹۸۱	۰/۷۰۲۹۲	۷/۶۶۶	۳۵	۰/۰۰۰	۰/۸۹۸۱۵	۰/۶۶۰۳	۱/۱۳۶۰
شاخص ترکیبی	۳/۹۲۹۱	۰/۵۰۴۱۵	۱۱/۰۵۸	۳۵	۰/۰۰۰	۰/۹۲۹۱۰	۰/۷۵۸۵	۱/۰۹۹۷

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

مقایسه وضعیت موجود پیوندهای روستایی - شهری با وضعیت پیوندها در صورت تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

برای مقایسه از آزمون میانگین نمونه زوجی (مقایسه زوجی) استفاده شده است که در این آزمون بررسی میانگین نمونه در دو حالت وضعیت موجود (قبل از تحقق الگو) و وضعیت آینده در صورت تحقق الگو به صورت زیر انجام می‌گشود.

H_0 : میانگین شاخص‌های مد نظر در وضعیت موجود برابر با میانگین شاخص در صورت تحقق الگو است.

H_1 : میانگین شاخص‌های مد نظر در وضعیت موجود برابر با میانگین شاخص در صورت تحقق الگو نیست.

میانگین به دست آمده شاخص‌های پیوندهای روستایی - شهری در دو وضعیت موجود و وضعیت تحقق الگو (جدول ۳ و ۴) نشان‌دهنده اختلاف میانگین دو حالت مقایسه‌ای هستند. اختلاف میانگین در شاخص‌های اقتصادی، محیطی، کالبدی و شاخص‌های ترکیبی به ترتیب برابر با ۰/۷۳، ۰/۷۵، ۰/۲۸ و ۰/۳۴ هستند. طبق جدول (۵) در شاخص‌های یاد شده p مقدار کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین، فرض صفر مبنی بر برابری میانگین شاخص‌های مد نظر در وضعیت موجود با میانگین شاخص‌ها در صورت تحقق الگو رد می‌شود؛ یعنی وضعیت موجود پیوندهای روستایی - شهری در بعدهای اقتصادی، محیطی، کالبدی و شاخص‌های ترکیبی با تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت تغییر خواهد کرد.

جدول - ۵: نتایج آزمون t نمونه‌های زوجی وضعیت پیوندهای روستایی - شهری

مقدار P دو طرفه	درجه آزادی	آماره t	اختلافات زوجی				میانگین	مقیاسه وضعیت موجود با وضعیت در صورت تحقق الگو
			فاصله اطمینان ۹۵ درصد اختلاف		خطای استاندارد میانگین	انحراف استاندارد		
			حد بالا	حد پایین				
۰/۰۰۰	۳۵	۶/۳۸۶	۰/۹۵۹۳۴	۰/۴۹۶۵۲	۰/۱۱۳۹۹	۰/۶۸۳۹۳	۰/۷۲۷۹۳	اقتصادی
۰/۱۴۸	۳۵	۱/۴۷۹	۰/۲۵۶۶۶	-۰/۰۴۰۲۹	۰/۰۷۳۱۴	۰/۴۳۸۸۱	۰/۱۰۸۱۹	اجتماعی-فرهنگی
۰/۰۰۰	۳۵	۶/۴۳۸	۰/۹۸۹۹۷	۰/۵۱۵۳۲	۰/۱۱۶۹۰	۰/۷۰۱۴۱	۰/۷۵۲۶۵	محیطی
۰/۰۲۸	۳۵	۲/۲۸۷	۰/۵۲۲۲۰	۰/۰۳۱۰۴	۰/۱۲۰۹۷	۰/۷۲۵۸۱	۰/۲۷۶۶۲	کالبدی
۰/۰۰۰	۳۵	۴/۳۰۶	۰/۵۰۱۲۸	۰/۱۸۰۰۸	۰/۰۷۹۱۱	۰/۴۷۴۶۶	۰/۳۴۰۶۸	شاخص ترکیبی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

در بعد اجتماعی و فرهنگی اختلاف میانگین دو حالت مقایسه‌ای برابر ۰/۱۱ است و p مقدار بیشتر از ۰/۰۵ به دست آمده است (جدول ۳). بنابراین فرض صفر رد نمی‌شود؛ یعنی وضعیت موجود بعد اجتماعی و فرهنگی پیوندهای روستایی - شهری با تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، تغییر زیادی نخواهد کرد (تا حدودی تغییر خواهد کرد).

میزان اثرگذاری الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بر پیوندهای روستایی - شهری

برای بررسی میزان اثرگذاری الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و محیطی از آزمون t دو استفاده شده است. همان‌طور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود، از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، اثرگذاری الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بر بعدهای اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و محیطی در حد متوسط تا خیلی زیاد است.

جدول - ۶: فراوانی مشاهده‌شده و انتظاررفته هریک از بعدهای پیوندهای روستایی - شهری

میزان اثرگذاری الگو	فراوانی مشاهده شده			فراوانی انتظاررفته			باقیمانده	
	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	متوسط	زیاد
اقتصادی	۱۰	۱۳	۱۳	۱۲	۱۲	۱۲	-۲	۱
اجتماعی - فرهنگی	۴	۱۹	۱۳	۱۲	۱۲	۱۲	-۸	۷
محیطی	۷	۱۸	۱۱	۱۲	۱۲	۱۲	-۵	۶

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

در جدول (۷) مشاهده می‌شود که در بعدهای اقتصادی و محیطی پیوندهای روستایی - شهری p مقدار بیشتر از ۰/۰۵ است. بنابراین، فرض برابری نسبت نظرها پذیرفته می‌شود و میزان اثرگذاری الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بر بعد اقتصادی و محیطی در حد متوسط تا خیلی زیاد است. در بعد اجتماعی - فرهنگی، p مقدار کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین، فرض برابری نسبت نظرها رد می‌شود و میزان اثرگذاری الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بر بعد اجتماعی و فرهنگی در حد زیاد تا خیلی زیاد است.

جدول - ۷: نتایج آزمون کای دو

اثرگذاری الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بر ابعاد پیوندهای روستایی - شهری	آماره کای دو	درجه آزادی	P مقدار تقریبی
اقتصادی	۰/۵۰۰ ^a	۲	۰/۷۷۹
اجتماعی - فرهنگی	۹/۵۰۰ ^a	۲	۰/۰۰۹
محیطی	۵/۱۶۷ ^a	۲	۰/۰۷۶

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

برای بررسی میزان اثرگذاری الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بر بعد کالبدی و شاخص‌های ترکیبی پیوندهای روستایی - شهری از آزمون تی تک‌نمونه‌ای به صورت زیر استفاده شده است.

H_0 : میانگین اثرگذاری الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بر بعد کالبدی و شاخص‌های ترکیبی پیوندهای روستایی - شهری در حد متوسط ۳ است.

H_1 : میانگین اثرگذاری الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بر بعد کالبدی و شاخص‌های ترکیبی پیوندهای روستایی - شهری در حد متوسط ۳ نیست.

همان‌گونه که در جدول (۸) مشاهده می‌شود، میانگین اثرگذاری الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بر بعد کالبدی و شاخص‌های ترکیبی پیوندهای روستایی - شهری به ترتیب برابر $4/22$ و $4/17$ و p مقدار آن‌ها کمتر از $0/05$ است. بنابراین چنین استنباط می‌شود که میانگین جامعه در این شاخص‌ها بیشتر از مقدار آزمون است و فرض صفر مبنی بر برابری میانگین با عدد ۳ رد می‌شود. بنابراین می‌توان گفت اثرگذاری الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بر این شاخص‌ها بیش از متوسط خواهد شد.

جدول - ۸: نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای برای ارزیابی الگو بر پیوندهای روستایی - شهری

مقدار آزمون = ۳								اثرگذاری الگوی اسلامی - ایرانی
فاصله اطمینان ۹۵ درصد اختلاف		میانگین اختلاف	P_ مقدار دو طرفه	درجه آزادی	آماره t	انحراف استاندارد	میانگین	
حد پایین	حد بالا							
۱/۴۳۰۲	۱/۰۱۴۳	۱/۲۲۲۲۲	۰/۰۰۰	۳۵	۱۱/۹۳۱	۰/۶۱۴۶۴	۴/۲۲۲۲	کالبدی
۱/۳۷۹۷	۰/۹۷۵۹	۱/۱۷۷۷۸	۰/۰۰۰	۳۵	۱۱/۸۴۳	۰/۵۹۶۷۱	۴/۱۷۷۸	شاخص ترکیبی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

نتایج تحقیق نشان دادند که تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بر پیوندهای روستایی - شهری اثرگذار خواهد بود و وضعیت موجود پیوندهای روستایی - شهری با تحقق الگو تغییر خواهد کرد و شرایط مطلوب‌تری به خود خواهد گرفت و بنابراین می‌توان گفت که پیوندهای روستایی - شهری می‌توانند بر مبنای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، طراحی شود و تحقق آن تقویت پیوندهای روستایی - شهری را در شهرستان شهرضا موجب خواهد شد.

جمع‌بندی و پیشنهادها

در چندین دهه برنامه‌ریزی کشور، الگوها و روش‌های گوناگونی از توسعه معرفی شده‌اند که در زمان خود در همه سطوح برنامه‌ریزی رسوخ یافته‌اند و پیامدهای ویژه مکانی - فضایی در عرصه ملی، منطقه‌ای، شهری و روستایی داشته‌اند. الگوهای به کاررفته در کشور بیشتر بر اساس الگوهای توسعه غربی بوده‌اند و متناسب با شرایط جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و سیاسی کشور نبوده‌اند. به ویژه این الگوهای تقلیدی با فرهنگ بومی و اعتقادی روستاهای کشور همخوانی نداشته‌اند و مشکلاتی را بر سر راه توسعه منطقه‌ای و توسعه روستایی ایجاد

کرده‌اند. با نگاهی نو و رویکردی منطبق بر مبانی نظری الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت می‌توان الگوی بومی متناسب با شرایط جغرافیایی و مقتضیات اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، اعتقادی، محیطی و کالبدی روستاها را معرفی کرد. در این پژوهش نقش الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در تقویت پیوندهای روستایی - شهری شهرستان بررسی شد.

همان‌طور که در ادبیات پژوهش بیان شد، تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از ابعاد گوناگون، یک اتفاق نیک، مهم و بی‌سابقه در برنامه‌ریزی کشور به شمار می‌رود و نقطه عطف تاریخی در ایران اسلامی و پدیده‌ای نوپاست؛ زیرا این الگو طبق تبیین و تأکید رهبر معظم انقلاب در راستای تحقق پیشرفتی پایدار در عرصه کلان ملی است و الگوی آن مبتنی بر کلیدی‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده آن و براساس معرفت‌شناسی و به‌ویژه انسان‌شناختی انسان است که خود با اعمال تفکر و ابتکار ایرانی و با توجه به مقتضیات بومی و توانمندی‌های ملی شکل می‌گیرد. این الگو یک الگوی بهینه‌سازی شده است که با هدف کمک به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کلان کشور در فرایند تصمیم‌گیری طراحی شده است و به پیشرفت در چهار عرصه فکر، علم، زندگی و معنویت توجه کرده است. هرکدام از عرصه‌ها، معیارها و مؤلفه‌هایی دارند که با انسجام همه بخش‌های الگو، مدل الگو در فضای ملی عملیاتی می‌شود. این مؤلفه‌ها عبارتند از: پیشرفت، نوآوری، استقلال، امنیت، عدالت، عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی، عدالت جغرافیایی، توزیع عادلانه ثروت و منابع، رفاه، عزت ملی، مردم‌سالاری، آزادی، وحدت، اتحاد، تعاون، مشارکت مردم، مدیریت کارآمد، هویت، اخلاق، معنویت، دین‌داری، جهان‌بینی دینی، اقتصاد اسلامی، کرامت انسان، نگاه متعالی به انسان، انضباط، انضباط اجتماعی، سلامت، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های کشور، ملاحظات جغرافیایی و فضایی، منافع ملی، منابع سرزمینی، مقتضیات بومی، ایرانی بودن، اسلامی بودن، دانش بومی، فرهنگ بومی، ارزش‌های دینی و انسانی، روحیه مهرورزی، همبستگی، انصاف، نیکی، راست‌گویی و امانت‌داری، برابری، توانمندسازی، پراکنش فضایی تولید، توزیع فضایی درآمد، بهره‌گیری از امکانات و فرصت‌های توزیع شده در فضای جغرافیایی، جریان‌های بین منطقه‌ای (مردم، کالا، تولید، سرمایه و فناوری)، رفع فقر و محرومیت، کاهش شکاف طبقاتی، رشد، تعالی، حیات طیبه و جامعه مطلوب

پیشرفت در هر کشوری مستلزم داشتن الگو است و هر ملتی باید از الگوی پیشرفت متناسب با خود بهره‌برد. الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت با جهت‌گیری اسلامی به‌منزله "جامعیت" و ایرانی به‌منزله "واقعیت" برای دستیابی به جامعه مطلوب تدوین شده است. حرکت جامعه به سمت هدف مد نظر با طرح‌ریزی جامع و مبتنی بر مؤلفه‌های پویا و انعطاف‌پذیر ممکن است. بی‌تردید، طرح نباید برگرفته از کشورهای بیگانه باشد، بلکه طرح‌ریزی الگوی جامعه باید مبتنی بر عقاید، فرهنگ و مقتضیات بومی آن ارائه شود.

پیوندهای روستایی - شهری در قالب برنامه‌ریزی فضایی، پدیده‌ای به‌دست‌آمده از تعامل دو سویه سکونتگاه‌های روستایی و کانون‌های شهری در عرصه منطقه‌ای است که برنامه‌ریزان با هدف کاهش فقر و حمایت از نقش مثبت مراکز شهری در توسعه نواحی روستایی پیرامونی بر آن تأکید می‌کنند. از مطالب یادشده می‌توان چنین استنباط کرد که اهداف مطرح‌شده الگوی اسلامی - ایرانی و مؤلفه‌های آن، از اهداف برنامه‌ریزی فضایی جدا نیست و در واقع

می‌تواند تکمیل‌کننده آن باشد. الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت سندی بالادستی خواهد بود که همه برنامه‌های کشور براساس آن تدوین خواهد شد. بنابراین، همه اهداف و موضوعات برنامه‌ریزی فضایی را می‌توان در دل این الگو جای داد و آن‌ها را پیاده کرد. بنابراین، درباره پرسش نخست پژوهش مبنی بر اینکه «مؤلفه‌ها و معیارهای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت برای تقویت پیوندهای شهری - روستایی کدام است؟» می‌توان بیان کرد که مؤلفه‌های الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در قالب برنامه‌ریزی فضایی و درباره سازمان‌دهی فضای جغرافیایی، تقویت پیوندهای شهری - روستایی را موجب می‌شوند.

جمع‌بندی نتایج پژوهش نشان می‌دهد که وضعیت موجود پیوندهای روستایی - شهری منطقه بررسی‌شده، در شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی و کالبدی در حد متوسط و تا حدودی بیش از متوسط است. بررسی وضعیت این شاخص‌ها بیان‌کننده این است که در صورت تحقق طرح الگوی اسلامی - ایرانی، بیش از حد متوسط و بالاتر خواهد بود. مقایسه وضعیت موجود با وضعیت تحقق الگو نیز نشان می‌دهد که وضعیت شاخص‌های پیوندهای روستایی - شهری شهرستان با تحقق طرح الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت تغییر خواهد کرد و شرایط مطلوب‌تری را به دست خواهد آورد. ارزیابی اثرگذاری طرح الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بر شاخص‌های پیوندهای روستایی - شهری نشان می‌دهد که در صورت تحقق الگوی اسلامی - ایرانی، میزان اثرگذاری آن بر شاخص‌های اقتصادی و محیطی در حد متوسط تا خیلی زیاد خواهد بود. همچنین میزان اثرگذاری طرح الگوی اسلامی - ایرانی بر شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی و کالبدی در حد زیاد تا خیلی زیاد خواهد شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که در مجموع، وضعیت موجود پیوندهای روستایی - شهری با تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت تغییر خواهد کرد و به شرایط مطلوب‌تری دست خواهد یافت. ارزیابی میزان اثرگذاری طرح الگوی اسلامی - ایرانی بر پیوندهای روستایی - شهری در حد زیاد و خیلی زیاد خواهد شد. بنابراین با توجه به اثرپذیری پیوندهای روستایی - شهری از تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و بهبود شرایط وضعیت موجود می‌توان گفت که تحقق الگوی اسلامی - ایرانی تقویت پیوندهای روستایی - شهری را در شهرستان شهرضا موجب خواهد شد و این مسئله علاوه بر کاهش فقر، نابرابری‌های موجود بین شهر و روستا و شکاف طبقاتی، می‌تواند روستاها را در زمینه اشتغال‌زایی توانمند کند و دوام جمعیت، سلامتی، نظم، امنیت و پویایی را به سکونتگاه‌های روستایی ارمغان دهد و آسایش و رفاه ساکنان را در پی داشته باشد. در واقع در صورت تحقق الگوی اسلامی - ایرانی، سکونتگاه‌های روستایی به روستاهای سبز، پاک، سالم و مولد تبدیل خواهند شد. برای رفع مشکلات و موانع موجود و پیش روی پیوندهای روستایی - شهری و همچنین از بین بردن نبود تعادل بین نواحی شهری و روستایی پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شوند:

- ۱- هویت‌بخشی به سیمای روستاهای شهرستان، بازآفرینی و روزآمدسازی معماری ایرانی - اسلامی آن‌ها؛
- ۲- ارتقاء کیفیت معماری روستاها با سامان‌دهی نماها و سیما و منظر روستا با اعمال اصول ایمنی، زیبایی و انسجام‌بخشی به کالبد محله‌ها و ایجاد ترکیبات شکلی و حجمی مناسب برای ابنیه ویژه روستا؛
- ۳- استفاده از دانش بومی و امکان تلفیق آن با روش‌های نوین تولید در روستاهای شهرستان؛

- ۴- حفظ آداب و سنن محلی، جلوگیری از تغییر سبک زندگی روستاها و پرهیز از شهرزدگی و مصرف‌گرایی در روستاهای شهرستان؛
- ۵- پرهیز از هرگونه تقلید از الگوهای وارداتی در زمینه اشتغال‌زایی در روستاها و اتکا به دانش بومی و ارائه الگوی جامع اشتغال روستایی برای شهرستان؛
- ۶- گسترش فرصت‌های شغلی جدید و متنوع در راستای بهره‌گیری از توانمندی‌ها و مزیت‌های نسبی روستاها برای ماندگاری جمعیت در نواحی روستایی شهرستان؛
- ۷- افزایش سرمایه‌گذاری‌های دولتی و بخش خصوصی با هدف رونق و شکوفایی بخش کشاورزی در روستاهای مستعد شهرستان شهرضا سازگار با شرایط اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی؛
- ۸- ارج نهادن به الگوهای بومی و مبانی اعتقادی و بهره‌گیری از ارزش‌های اصیل فرهنگ بومی روستاهای شهرستان در برنامه‌ریزی توسعه روستایی؛
- ۹- تقویت شهر منظریه که شهر کوچک محلی برای تعادل‌بخشی به سامانه سکونتگاه‌ها است و ایجاد سلسله‌مراتب در خدمت‌رسانی به جامعه روستایی با اولویت‌بندی و تجهیز مراکز برتر روستایی به خدمات ضروری؛
- ۱۰- توجه بیش از پیش برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران استان و شهرستان به پیوندهای روستایی - شهری درباره پیشرفت منطقه برمبنای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت؛
- ۱۱- استفاده از معیارها و مؤلفه‌های الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در برنامه‌های توسعه و تصمیم‌گیری‌های شهرستان متناسب با موضوع.

منابع

- ۱- استانداری اصفهان (۱۳۹۲) سالنامه آماری ۱۳۹۱ شهرستان شهرضا، معاونت برنامه‌ریزی و اشتغال استانداری، نشر دفتر آمار و اطلاعات و GIS، اصفهان.
- ۲- اهلرس، اکارت (۱۳۸۰) ایران - شهر و روستا، عشایر، ترجمه عباس سعیدی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، تهران، صص ۱۹۶-۱.
- ۳- بادی‌وند، سعید (۱۳۹۰) تبیین الگوی اسلامی - ایرانی توسعه در مناطق روستایی ایران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زابل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ۴- جوانپور، عزیز و عباسی، مهدی (۱۳۹۰) درآمدی بر بازشناسی ماهیت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، مجموعه مقالات همایش ملی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، انتشارات دانشگاه صنعتی سهند تبریز، چاپ اول، تبریز، صص ۸۵-۹۴.
- ۵- خوفکر برآبادی، صلاح‌الدین و قریشی، حبیب‌الله (۱۳۹۱) پیوندهای روستایی - شهری زاهدان و توسعه نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان زاهدان)، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال سوم، شماره یکم، صص ۱۴۶-۱۱۹.

- ۶- خوش چهره، محمد و حبیبی، نیک‌بخش (۱۳۹۱) اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از منظر اسناد فرادستی نظام ج.ا.ایران، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۲، صص ۲۴۴-۲۱۹.
- ۷- رضوانی، علی‌اصغر (۱۳۸۲) رابطه شهر و روستا، نشر ماکان، چاپ اول، تهران، صص ۱۹۷-۱.
- ۸- رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۰) برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، نشر قومس، چاپ چهارم، تهران، ۲۹۱-۱.
- ۹- سعیدی، عباس (۱۳۸۳) مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت، چاپ پنجم، تهران، صص ۱۱۴-۱.
- ۱۰- سعیدی، عباس (۱۳۹۰) روابط و پیوندهای روستایی - شهری در ایران، نشر مهر مینو، چاپ اول، تهران، صص ۲۳۷-۱.
- ۱۱- سعیدی، عباس و تقی‌زاده، فاطمه (۱۳۸۴) پیوندهای روستایی - شهری و توسعه منطقه‌ای «بررسی تطبیقی شهرستان‌های باغملک و اردکان»، نشریه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، دوره جدید، سال سوم، شماره ۶ و ۷، صص ۳۳-۴۷.
- ۱۲- سلطانی مقدّس، ریحانه (۱۳۸۶) نقش پیوندهای روستایی - شهری در تحولات فضای روستایی با تأکید بر سرمایه‌گذاری‌های ناحیه‌ای نمونه موردی: محدوده رستایی طرّبه (استان خراسان رضوی)، رساله دکتری، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- ۱۳- شریف‌زاده، مریم (۱۳۸۸) موانع شکل‌گیری پیوندهای روستایی - شهری در راستای توسعه روستایی، مورد: بخش مرکزی شهرستان بروجرد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، اساتید راهنما: عباس سعیدی و مصطفی مؤمنی، استاد مشاور: سید حسن مطیعی لنگرودی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- ۱۴- صفرلکی، ابراهیم (۱۳۹۰) درآمدی بر نقش و کارکرد روابط عمومی در تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، نشریه تحقیقات روابط عمومی، سال دهم، شماره ۶۱، صص ۳۹-۳۳.
- ۱۵- قاضی‌زاده، سیدضیاءالدین (۱۳۸۹) الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و نقش نیروهای مسلح، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۳۱، صص ۶۲-۳۱.
- ۱۶- کیوان‌حسینی، سید اصغر و جمعه‌زاده، راحله (۱۳۹۰) پیوندبخشی میان رویکرد دفاع همه‌جانبه و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت؛ چارچوب پیشنهادی، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره ۳۴، صص ۲۵-۱.
- ۱۷- لینچ، کنت (۱۳۸۶) روابط متقابل شهر و روستا در کشورهای درحال توسعه، ترجمه محمدرضا رضوانی و داود شیخی، انتشارات پیام، چاپ اول، تهران، صص ۲۴۰-۱.
- ۱۸- مرکز آمار ایران (۱۳۹۲) نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ شهرستان شهرضا، استانداری اصفهان، نشر دفتر آمار و اطلاعات، اصفهان.

- 20- Bah, M., Cisse, S., Diyamett, B., Diallo, G., Lerise, F., Okali, D., Okpara, E., Olawoye, J. and Tacoli, C. (2003) **Changing rural-urban linkages in Mali, Nigeria and Tanzania**. Journal of Environment and Urbanization 15(1): 13-24.
- 21- Douglass, M. (1998) **A regional network strategy for reciprocal rural-urban linkages: An agenda for policy research with reference to Indonesia**, Third World Planning Review, University of Hawaii.U.S.A, 20(1): 1-33.
- 22- Fei, J. C. and Ranis, G. (1964) **Development of the labor surplus economy**.
- 23- Friedmann, John. (1966) **Regional development policy: A case study of venezuela**, MIT Press, Cambridge, Mass.
- 24- Habitat, Un. (2004) **Regional conference on urban-rural linkages**. 1-4 October. Un office in Nairobi, Kenya. <http://www.unchs.org>.
- 25- Kaur, R. (2007) **Urban-rural relations and regional development. Changing nature, intensity and interaction mechanisms**. Regal Publication, New Delhi.
- 26- Lipton, M. (1982) **Why poor people stay poor in Harriss (ed)**, Rural Development, Hutchinson.
- 27- Veenhuizen, V. (2002) **The rural urban interface, Leusden** (The Netherlands).

Archive of SID